

روزشمار جنگ

یکشنبه

۱۸ مرداد ۱۳۶۰

۸ شوال ۱۴۰۱

۹ اوت ۱۹۸۱

۲۴۳

حمله یک تیپ از ارتش عراق به مواضع نیروهای ایرانی در محور دارخوین، به علت ضعف هماهنگی بین واحدهای عراقی و هشپاری و مقاومت نیروهای خودی شکست خورد و حدود ۱۵۰ نفر از نیروهای عراقی کشته و ۲۵ نفر اسیر شدند.

از اولین دقایق امروز (ساعت ۲۴:۰۰)، ارتش عراق با استفاده از ۲ گردان (گردان های ۵ و ۶) از تیپ ۳۲ نیروی مخصوص و یک گروهان کماندو به مواضع نیروهای خودی در محور دارخوین حمله کرد. ۲۰ دقیقه قبل از حمله، آتش شدید و پرحجمی از منطقه غربی کارون روی خاکریز نیروهای ایرانی اجرا شد و پس از آن، حمله نیروهای عراقی از ۳ محور انجام شد: از جناح راست (قسمت شرقی جاده آسفالت آبادان - اهواز)، گردان ۵ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص؛ از جناح چپ (کناره کارون)، گردان ۶ تیپ ۳۲ نیروی مخصوص و از وسط، یک گروهان کماندو پیشروی شان را آغاز کردند.

نیروهای جناح راست (گردان ۵) توانستند خاکریز را دور بزنند و خود را به پشت نیروهای ایرانی برسانند، اما نیروهای جناح چپ (گردان ۶) به دلیل ناهماهنگی و گم کردن نفرات و بی سیمچی شان نتوانستند مأموریتشان را اجرا کنند و یک گروهان محور میانی نیز به علت مقاومت نیروهای خودی در پشت خاکریز مجبور به عقب نشینی شد. نیروهای گردان ۵ پس از دورزدن خاکریز، با نیروهای ایرانی درگیر شدند. در این درگیری با مقاومت نیروهای ایرانی حدود ۸۰ تا ۱۰۰ نفر از عراقی ها کشته شدند که جنازه ۳۰ نفر از آنان در منطقه جا ماند و ۱۵ نفر نیز به اسارت درآمدند و بقیه نیز مجبور به عقب نشینی شدند.

دشمن که در تلاش اولیه اش نتیجه ای کسب نکرده بود، بار دیگر در ساعت ۴:۴۵ صبح، آتش تهیه سنگینی را روی مواضع هدف اجرا کرد و پس از آن، نفرات پیاده آنان اقدام به حمله کردند.

این بار نیز نیروهای خودی با بهره گرفتن مؤثر از آتش پرحجم توپخانه و مقاومت نیروهای پشت خاکریز، تلفات بسیاری به آنان وارد کردند و ۱۰ اسیر دیگر نیز گرفتند.^(۱)

نیروهای عراقی که از اقدام دوشمن هم به نتیجه‌ای نرسیدند، ساعت ۶ صبح عقب‌نشینی کردند. مجموع تلفات دشمن در این عملیات، حدود ۱۵۰ کشته و زخمی و ۲۵ اسیر بود.^(۲) ۳ انبار مهمات، یک تانک، یک خودرو زیل و یک موشک‌انداز عراقی نیز در این عملیات منهدم شد.^{(۳)*}

مجموع تلفات نیروهای خودی در این تهاجم عراق، ۱۳ شهید و چند مجروح بود که به گزارش ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی از ارتش ۲ سرباز شهید و ۵ تن مجروح شدند.^(۴)

علی اسحاقی** درباره عملیات ارتش عراق در محور دارخوین، می‌گوید: «بعد از عملیات فرماندهی کل قوا، عراقی‌ها تصمیم گرفته بودند با نیروی تکاور و یک واحد مکانیزه روی خاکریز ما در منطقه محمدیه در دارخوین عملیات انجام بدهند ساعت ۲ بعد از نصفه‌شب، بچه‌ها به من در دارخوین زنگ زدند و گفتند که تعدادی از عراقی‌ها ظاهراً از خط ما عبور کردند و از صحبت‌هایی که ما از آنها شنود می‌کنیم، اینها می‌گویند ما الآن پشت فلان منطقه از خط ایرانی‌ها هستیم. منتظرند بقیه نیروهایشان از جلو بیایند و اینها هم از پشت، "عملیات ویژه" انجام دهند. در این اقدام، ابتدا ۳۶ نفر از عراقی‌ها توانسته بودند در خط ما نفوذ کنند. این ۳۶ نفر در گوشه خط ما در "خط شیر"*** با نگهبان ما درگیر شده بودند و نگهبان گوش یکی از عراقی‌ها را کنده بود، ولی اینها نگهبان را به شهادت رساندند و از خاکریز عبور کرده بودند. این عراقی‌ها پشت خاکریز ما که چند سنگر از قبل در آنجا بود، داخل یکی از این سنگرها مستقر شده بودند و ما این را از طریق شنود فهمیدیم. اتفاقاً آقای [رحیم] صفوی در منطقه دارخوین بود. به ایشان خبر دادیم، گفت: "شما حواستان به عراقی‌ها که نفوذ کردند، باشد. بچه‌ها تقسیم شوند، بروند سنگرهایی که اینها گفتند پیدا بکنند و سراغ آنها بروند، جلو خط هم اقدامی نکنند، تا من بگویم." ما به خط هم اطلاع دادیم که چنین اتفاقی در حال وقوع است. در خط و پشت خاکریز هم همه نیروهای ما سلاح‌ها و نارنجک‌هایشان را آماده کردند، بچه‌های اطلاعات رفتند و همه آن ۳۶ نفر عراقی‌ها را در سنگرها گرفتند. یکی دوتای آنها را هم داخل سنگرها که تاریک بود، عقب زده بود. زمانی که بچه‌ها آماده شدند، ما به جای این افرادی که نفوذ کرده بودند، روی شبکه بی‌سیم عراقی‌ها رفتیم و به آنها اطلاع دادیم که بیایید. وقتی آمدند، با رگبار و با نارنجک و با درگیری تن‌به‌تن روی خاکریز، جنگ بسیار عجیبی

* گزارشی از وضعیت فرماندهی و نیروهای عراقی شرکت‌کننده در عملیات براساس اطلاعات استخراج‌شده از بازجویی اسرا در ضمیمه گزارش آمده است.

** سردار علی اسحاقی بنیان‌گذار و مسئول جنگ الکترونیک سپاه در دوران دفاع مقدس می‌باشد. وی این مطلب را در سال ۱۳۹۱، در گفت‌وگو با پژوهشگر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در پروژه تاریخ شفاهی خود بیان کرده است.

*** به دنبال هجوم ارتش عراق به ایران، از اوایل آبان ۱۳۵۹، اولین خط دفاعی رزمندگان در مقابل نیروهای عراقی در جنوب روستای محمدیه در جنوب روستای مارد (شرق رودخانه کارون) در میان بوته‌زارهایی که فاقد پوشش گیاهی مناسب بود، تشکیل شد. این خط دفاعی به خط شیر موسوم شد.

انجام گرفت و عراقی‌ها همان‌جا پشت خاکریز تارومار شدند. یعنی یکی از بهترین عملیات ویژه اطلاعات و عملیاتی که بهره‌برداری اطلاعاتی‌اش از شنود و جنگ الکترونیک بود، انجام شد. جنگ الکترونیک به این معنا که ما به‌جای دشمن وارد فرماندهی آنها شدیم»^(۵)

۲۴۴

اوضاع شهر شادگان به دلیل حملات توپخانه‌ای ارتش عراق به حومه شهر متشنج شد و عده‌ای از ساکنان این شهر مجبور به ترک این شهر شدند. شهر آبادان نیز مانند روزهای گذشته هدف حملات توپخانه‌ای عراق قرار گرفت.

در پی ناکامی نیروهای عراقی در حمله به محور دارخوین که در اولین دقایق امروز انجام شد، توپخانه ارتش عراق از ساعت ۷:۳۵ صبح امروز، منطقه عرب‌نشین شادگان را هدف قرار داد که از مجموع توپ‌های شلیک‌شده، ۴ گلوله به روستای مسیر در ۲ تا ۳ کیلومتری جنوب شرق شهر شادگان اصابت کرد و بر اثر انفجار آن، ۷ نفر از اهالی روستا زخمی شدند. به گزارش سپاه پاسداران، این اقدام دشمن سبب شد که اوضاع شهر شادگان تاحدی متشنج شود و تعدادی از اهالی بومی و جنگ‌زدگان ساکن این منطقه از شهر خارج شوند.

مردم شادگان در اعتراض به این اقدام عراق با تعطیلی بازار و مغازه‌ها به راه‌پیمایی پرداختند.^(۶) راه‌پیمایان که شامل عشایر، اعضای ارگان‌ها و دیگر اقشار مردم بودند، از محل سپاه پاسداران به حرکت درآمدند و پس از گذشتن از چند خیابان، در مسجد امیر اجتماع کردند. فرماندار شادگان در اجتماع مردم، درباره توطئه‌های گروهک‌ها، سخنانی ایراد کرد و به مردم هشدار داد مواظب توطئه‌های آنان باشند. وی با اشاره به پیروزی‌های اخیر رزمندگان در جبهه‌های جنگ گفت: «صدام امروز دیگر از اتکا به سربازانش ناامید شده و مرگ سیاسی خود را نزدیک می‌بیند.» حجت‌الاسلام طباطبایی نماینده دفتر تبلیغات بنیاد جنگ‌زدگان نیز به زبان عربی درباره جنگ مطالبی بیان کرد و سپس قطعنامه راه‌پیمایی در ۵ ماده قرائت شد. در قسمتی از این قطعنامه آمده است: «ما اهالی شهر و روستاهای شادگان، تا آنجا که در توان داریم از حیثیت کشور اسلامی‌مان دفاع خواهیم کرد و تنفر و انزجار خود از حمله توپخانه صدامیان کافر به مناطق مسکونی [را] اعلام می‌داریم.» در این قطعنامه، قاطعیت هرچه بیشتر دادگاه‌های انقلاب در مقابله با ستون پنجم و عوامل تروریسم خواسته شده است.^(۷) بنیاد امور جنگ‌زدگان نیز با صدور اطلاعیه‌ای اقدام عراق در بمباران منطقه عرب‌نشین شادگان را محکوم کرد.^(۸)

امروز شهر آبادان هم مانند اغلب روزهای گذشته، هدف حملات توپخانه‌ای عراق قرار گرفت که در این حملات چند منزل مسکونی و قسمتی از تأسیسات نفتی شهر آسیب دید و عده‌ای نیز مجروح شدند.^(۹)

۲۴۵

هیئت منتخب وزیران امور خارجه کشورهای غیرمتعهد که برای میانجیگری بین ایران و عراق پس از سفر به ایران به بغداد رفته بودند، پس از دو روز حضور در عراق و دیدار با صدام حسین و طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق، این کشور را ترک کردند. خبرگزاری فرانسه در این باره گزارش داد: «صدام حسین در ملاقات با این هیئت اظهار داشت که عراق علی‌رغم مواضع ایران، همیشه آماده همکاری صادقانه با غیرمتعهدها و پذیرش هیئت فوق و کمک به مأمورین آن است.»

این خبرگزاری افزود: «هیئت غیرمتعهدها قبل از ترک بغداد، طی بیانیه‌ای که به‌وسیله خبرگزاری عراق منتشر شده است، نگرانی خود را نسبت به خسارات وارده از جنگ به عراق و ایران ابراز داشته است. این هیئت همچنین نسبت به گسترش جنگ به دیگر کشورها و خطری که صلح جهانی را تهدید می‌کند هشدار داده است.» در این بیانیه همچنین آمده است که صدام حسین کمیته غیرمتعهدها را تشویق به ادامه مأموریت تا دستیابی به حل صلح‌آمیز و عادلانه بحران کرده است. برخی منابع غربی دلیل اتخاذ این مواضع را استیصال عراق در جبهه‌های جنگ عنوان کرده‌اند.^(۱۰)

۲۴۶

تخریب پاسگاه سرسوراو عراق در حملات نیروهای سپاه پاسداران و پیشمرگان مسلمان کرد، انهدام خودرو کمیته امداد شهر مهاباد بر اثر انفجار بمبی قوی در زیر آن و درگیری عناصر حزب دمکرات کردستان ایران و گروه کومه‌له در بوکان، مهم‌ترین اخبار امروز مناطق شمال‌غرب ایران است.

در یک عملیات چریکی، نیروهای سپاه پاسداران و پیشمرگان مسلمان کرد از منطقه بانه وارد خاک عراق شدند و به پاسگاه سرسوراو در نزدیکی پادگان گرمک حمله کردند. در این عملیات، پاسگاه تخریب شد و تعدادی از نیروهای دشمن کشته یا مجروح شدند و نیروهای خودی بدون تلفات و از طریق مرز به کشور بازگشتند. به گزارش سپاه پاسداران سنندج، این چندمین بار در طول جنگ است که نیروهای خودی به پایگاه‌های عراقی در این منطقه حمله می‌کنند.^(۱۱) در مهاباد نیز بر اثر انفجار بمبی قوی که زیر خودرو کمیته امداد مهاباد کار گذاشته شده بود، بدنه اتومبیل به‌طور کامل منهدم شد. این خودرو برای رسیدگی به امور معیشتی مردم به یکی از روستاهای محروم این شهر رفته بود.^(۱۲)

همچنین به گزارش واحد اطلاعات سپاه پاسداران منطقه غرب کشور (کردستان)، درگیری شدیدی میان نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران و گروه کومه‌له در بوکان رخ داد و بر اثر آن، ۱۰ نفر از نیروهای دو طرف کشته و تعدادی نیز مجروح شدند.^(۱۳)

۲۴۷

در ترورهای امروز گروه‌های ضدانقلاب در شهرهای ساری، رشت و تهران، ۳ نفر؛ ازجمله یک دانش‌آموز به شهادت رسیدند و ۲ پاسدار و یک معلم مجروح شدند. یک ترور نیز ناموفق بود. در شهرستان ساری، احمد منافعی دانش‌آموز بسیجی این شهر، در خیابان انقلاب، هدف سوءقصد قرار گرفت و با شلیک چند گلوله به شهادت رسید. عامل ترور به کمک هم تیمی‌اش که در چند قدمی وی سوار بر موتور روشن، منتظر بود، توانست فرار کند.^(۱۴)

در رشت هم یکی از افراد متعهد شهر به نام محمدنژاد به ضرب گلوله افراد مسلح گروه‌های ضدانقلاب به شهادت رسید. ضارب نیز متواری شد.^(۱۵)

در ساعت ۲۰:۳۰، در خیابان رودکی تهران، دو موتورسوار با شلیک چند گلوله، شخصی به نام مجید قائمی را - که از مغازه‌داران میدان انقلاب بود - به شهادت رساندند.*^(۱۶)

در میدان توحید تهران نیز یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با کلت کالیبر ۴۵ به سویی یک پاسدار تیراندازی و وی را مجروح کرد.^(۱۷)

در میدان آزادی تهران هم ۳ سرنشین یک اتومبیل رنو یکی از پاسداران کمیته را متوقف کرده، قصد بازرسی او را داشتند، اما وی مقاومت کرد و خواستار حکم بازرسی آنان شد. در اثنای این گفت و گوی همراه با کشمکش، یکی از سرنشینان خودرو با درآوردن مسلسل یوزی به سمت پاسدار تیراندازی کرد که وی خود را درون جوی آب کنار خیابان انداخت. در این لحظه، یک رهگذر به کمک این پاسدار آمد و به سویی مهاجمان هجوم برد که آنان به سمت وی نیز تیراندازی کردند و از محل گریختند. در این حادثه، پاسدار و رهگذر - که یک معلم بود - مجروح شدند.^(۱۸)

در منطقه لشکرک تهران نیز در ساعات آخر روز، ۲ سرنشین یک موتور قصد ترور یک پاسدار را داشتند که نتوانستند این کار را انجام دهند و متواری شدند.^(۱۹)

۲۴۸

افراد وابسته به گروه‌های مسلح در چند شهر کشور با پرتاب بمب‌های دست‌ساز و آتش‌زا خسارت‌هایی به بار آوردند. در این حوادث عده‌ای نیز به‌طور سطحی زخمی شدند. در مشهد، افراد وابسته به گروه‌های مسلح به ساختمان خبرگزاری پارس حمله کردند و یک بمب دست‌ساز به سویی آن پرتاب کردند. این حادثه خسارتی در پی نداشت.^(۲۰)

در همین شهر، یک بمب دست‌ساز به طرف ساختمان یک انجمن اسلامی پرتاب شد که خسارتی ایجاد نکرد.^(۲۱)

* در بعضی اسناد دیگر، نام شهید، مجید قاسمی ذکر شده است.

در اقدام دیگری، ۲ بمب دست‌ساز به منزل حاکم شرع دادگاه‌های جنوب خراسان در بیرجند پرتاب شد که خساراتی به بار آورد. در این حادثه، ۳ کودک نیز دچار موج‌گرفتگی شدند.^(۲۲)

پس از وقوع حادثه، مردم در محل انفجار حضور یافتند و با دادن شعارهایی خواستار قاطعیت نیروهای انتظامی و دادگاه‌های انقلاب در مقابل عاملان این حوادث شدند.^(۲۳)

یک بمب آتش‌زا نیز به انبار کالای جنگ‌زدگان شهرستان الیگودرز پرتاب شد که سبب بروز حریق جزئی شد و خسارت اندکی بر جای گذاشت.^(۲۴)

همچنین بر اثر پرتاب نارنجک به نمازخانه جهاد سازندگی استان لرستان در خیابان مطهری خرم‌آباد، شیشه‌های نمازخانه شکست و به ساختمان نیز خسارت اندکی وارد شد. مهاجمان نیز با استفاده از تاریکی شب گریختند.^(۲۵)

در همین شهر، یک بمب دست‌ساز به منزل یکی از ساکنان شهر پرتاب شد که با انفجار آن، شیشه‌های خانه شکست، اما به کسی آسیبی وارد نشد.^(۲۶)

در خیابان انقلاب خرم‌آباد نیز ۲ انفجار به فاصله ۱۵ دقیقه رخ داد که بر اثر آن، ۲ نفر جراحات سطحی برداشتند. عاملان این انفجار ها که دو موتورسوار بودند، موفق به فرار شدند.^(۲۷) دو دختر نیز بمبی آتش‌زا به منزل یکی از افراد متعهد شهر خرم‌آباد پرتاب کردند که این بمب عمل نکرد و عاملان آن دستگیر شدند.^(۲۸)

در کرمانشاه، یک بمب دست‌ساز که در مقابل مغازه یکی از کسبه کرمانشاه در خیابان اربابی کار گذاشته شده بود، منفجر شد و خسارتی به مغازه وارد کرد.^(۲۹)

در تهران هم سرنشینان یک موتورسیکلت بمبی آتش‌زا به داخل مغازه یکی از افراد متعهد شهر در منطقه بریانک، پرتاب کردند که انفجار آن خسارت اندکی به بار آورد.^(۳۰)

علاوه بر این اقدامات، تعدادی از افراد وابسته به گروه‌های مسلح به سمت ساختمان سپاه و بسیج شهرستان سیاهکل در استان گیلان تیراندازی کردند که با تیراندازی متقابل نیروهای بسیج، مهاجمان متواری شدند. این واقعه تلفات جانی نداشت.

در پی این تیراندازی مردم سیاهکل به حمایت از نیروهای سپاه و بسیج در خیابان‌ها تجمع کردند و ساعت‌ها پس از اتمام تیراندازی در محل حضور داشتند.^(۳۱)

۲۴۹

یک بمب ساعتی بسیار قوی در کنار ریل راه آهن سراسری اراک - خرمشهر، کشف شد. این بمب در محلی معروف به باغ انتظام کار گذاشته شده و روی ساعت ۲۴:۰۰ تنظیم شده بود تا زمانی که قطار مسافربری از کنار آن عبور می‌کند، منفجر شود، اما مأموران گشت کلاتری ۱۲ اراک، ساعت ۱۹، آن را کشف کردند و کارشناسان بمب نیز توانستند آن را خنثی کنند.^(۳۲)

همچنین، در پی ترورها و انفجارهای چند روز گذشته اراک، دادستانی این شهر با انتشار

اطلاعیه ای اعلام کرد که برای تأمین بیشتر امنیت شهر، از ۱۹ مرداد ۱۳۶۰ تا اطلاع ثانوی، عبور و مرور همه موتورسیکلت های دنده ای از ساعت ۵ صبح تا ۸ شب، فقط با مجوز دادسرای انقلاب اسلامی شهر و در شب نیز تنها با مجوز مخصوص مجاز است.^(۳۳)

۲۵۰

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران با انتشار اطلاعیه ای از کشف ۳۰ خانه تیمی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در تهران و دستگیری ساکنان این خانه ها با کمک نیروهای مقاومت بسیج خبر داد. از خانه ها تعداد زیادی اسلحه و مقادیر فراوانی مهمات و نام افرادی که قرار بود ترور شوند (تعدادی از نمایندگان مجلس، برخی اعضای سپاه پاسداران و مردم عادی محله های گوناگون)، به دست آمد.

در میان دستگیرشدگان نام حسین نواب صفوی یکی از اعضای فعال و گردانندگان دفتر هماهنگی بنی صدر و رابط این دفتر با سازمان مجاهدین خلق دیده می شود.^(۳۴) داوود کریمی فرمانده سپاه پاسداران تهران، در تشریح این عملیات گفت: «[در] این عملیات ضربتی موسوم به "والعادیات" که توسط سپاه و در سراسر تهران اجرا شد، ۷۰ نفر از اعضای فعال و کادر مرکزی گروه ها دستگیر شدند. البته، این مرحله اول عملیات است که در سراسر تهران به اجرا درآمده است و در آن مقادیری اسلحه کلاشینکف و ژ ۳، اسلحه کمری، تفنگ نارنجک انداز، نارنجک جنگی، بمب دست ساز، گاز اشک آور، مواد آتش زا، بمب های خمیری و وسایل نظامی دیگر کشف شد.» وی افزود: «این عملیات همچنان ادامه خواهد یافت.»^(۳۵) یکی از این خانه ها در خیابان ثبت شمیران قرار داشت که در یک درگیری چهارساعته، ۹ نفر از ساکنان آن (۴ مرد و ۵ دختر) دستگیر شدند و مقداری اسلحه، مهمات و کروکی مناطق گوناگون از آن به دست آمد.^(۳۶)

مورد دیگر خانه ای در منطقه تهرانپارس بود که پس از درگیری نیروهای سپاه و بسیج با ساکنان این خانه، ۱۲ نفر از افراد فعال سازمان که یک نفر از آنان مجروح شده بود، دستگیر شدند. از این خانه تیمی، اسلحه انفرادی، نارنجک جنگی، گاز اشک آور و سایر تجهیزات نظامی به دست آمد.^(۳۷)

براساس اطلاعات به دست آمده از مردم، ۶ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز که در امور لجستیک سازمان فعالیت می کردند، در یک خانه تیمی در خیابان مجیدیه، با همکاری فعال مردم دستگیر شدند.

مسئول ستاد خبری سپاه پاسداران نیز با اعلام این خبر گفت: «کشف این اماکن و دستگیری افراد در این خانه های تیمی از میزان بمب گذاری ها و تخریب های سازمان مجاهدین خلق در تهران خواهد کاست.»^(۳۸)

۲۵۱

کلانتری منطقه ۴ تهران در گزارشی اعلام کرد: عوامل گشت این کلانتری حین مأموریت، فردی را در حال ساختن کلید برای اتومبیلی که شماره آن دست‌کاری شده بود، دستگیر کردند. این فرد در بازجویی اولیه گفت: فردی او را برای ساختن کلید برای این خودرو به محل آورده و لحظاتی قبل، محل را ترک کرده است. مأموران در بازرسی از اتومبیل، یک مسلسل یوزی، ۵ اسلحه کمری، ۹ نارنجک جنگی و ۳۴۰ عدد انواع فشنگ به دست آوردند. در بررسی مأموران مشخص شد که اتومبیل سرقتی است.^(۳۹)

روابط عمومی سپاه پاسداران خرم‌آباد نیز اعلام کرد که در طول ۴۸ ساعت گذشته، ۱۷ تن از اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در شهرهای خرم‌آباد و بروجرد که با حوادث اخیر این دو شهر؛ از جمله پرتاب بمب‌های دست‌ساز و آتش‌زا، درگیری‌های خیابانی، انفجار و آتش‌سوزی‌های ایجادشده در شهر و نگهداری اعلامیه‌های مربوط به سازمان ارتباط داشتند، با همکاری مردم دستگیر شدند.^(۴۰)

۲۵۲

کمیته امداد امام خمینی با انتشار اطلاعیه‌ای جزئیات پرداخت خسارت مالی به افرادی که در اقدامات نظامی و خرابکارانه گروه‌های مسلح متحمل ضرر و زیان شده‌اند را اعلام کرد. در این اطلاعیه - که امروز واحد مرکز کمیته امداد امام خمینی آن را منتشر کرد - آمده است که این افراد پس از تعیین میزان خسارت واردشده و تأیید امام‌جماعت مسجد، به نزدیک‌ترین محل کمیته امداد در سراسر کشور مراجعه کنند تا با رعایت ضوابط، درباره پرداخت هزینه خسارت‌های واردشده اقدام شود.^(۴۱)

۲۵۳

داوود کریمی فرمانده جدید سپاه پاسداران تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری پارس درباره آخرین وضعیت سپاه پاسداران تهران در جبهه‌های جنگ و آمادگی این سازمان در عرصه مبارزه با گروه‌های مسلح ضدانقلاب و تأمین امنیت پایتخت، توضیحاتی داد. وی در بخشی از سخنانش به مخالفت بنی‌صدر و اطرافیانش با آموزش نیروهای سپاه و واگذاری اسلحه سنگین به آنان اشاره کرد و درمورد نقش سپاه در تأمین امنیت شهر تهران گفت: «تهران با توجه به وسعتش و اینکه یک منطقه نیروخیز است، از همان ابتدا که درگیری با عوامل ضدانقلاب در کردستان و غرب کشور به وجود آمد و نهایتاً به درگیری با رژیم بعثی صدام انجامید، بیشترین نیروی سپاه تهران را صرف درگیری با ضدانقلاب و مزدوران بعثی کرد. از طرف دیگر، به‌خاطر مرکزیت و حساس‌بودن وضع تهران، سپاه تهران مسئولیت

سنگین‌تری نسبت به دیگر شهرستان‌ها دارد و از این رو در تهران کار سنگینی بر دوش نیروهای انتظامی است که سپاه با هماهنگی کمیته‌ها نقش فعالی دارد.»

کریمی درباره وضعیت گروه‌های محارب گفت: «با ضرباتی که بر پیکر این گروهک‌ها زده شد، مراکز اسناد - امور مالی - هدایت عملیاتی آنها توسط سپاه تهران کشف و خنثی شده است، اما این ضربات نهایی نبوده و ضربه نهایی، ریشه‌کن کردن این گروهک‌ها هست. از آنجا که به قول امام سجاد^(ع) "خدا دشمنان ما را احمق آفریده"، این گروهک‌ها به‌خاطر آنکه جامعه را به هرج و مرج بکشانند و به دنیا نشان دهند که این نیروهای انقلابی نمی‌توانند کشور را حفظ کنند، در جوی آب، زیر پل و درون اتومبیل بمب‌گذاری می‌کنند و بدون در نظر گرفتن جان مردم عادی و کودکان معصوم، قصد انجام نیات پلید خود را دارند، درحالی که حتی ساواک دژخیم شاه مخلوع نیز این لکه ننگ را به دامان خود نمی‌گرفت.»

فرمانده سپاه پاسداران تهران درباره آخرین وضعیت سیاسی و توان نظامی سازمان مجاهدین (منافقین) گفت: «این سازمان از نظر ایدئولوژی و سیاسی از بین رفته است و مردم ما هیچ‌گاه حاضر نیستند که شعارهای آنها را گوش دهند؛ حتی اگر علیه امریکا باشد و الآن می‌توان ادعا کرد که این سازمان آخرین روزهای حیات خود را طی می‌کند و دیگر نمی‌تواند از یک پایگاه اسلامی مسائل خود را مطرح سازد، ولی می‌تواند از پایگاه‌های شرقی و غربی نظرات خود را ارائه دهد. سازمان از نظر نظامی نمی‌تواند حرکتی انجام دهد، زیرا امروز همه مردم ما از کارگر و روحانی و دانشجو و محصل چریک هستند و در جبهه‌های جنگ انواع سلاح‌ها را تجربه کرده‌اند؛ بنابراین، چند ترور و مسئله خیابانی نمی‌تواند مردم را به وحشت بیندازد.»

وی افزود: «شکل برون‌مرزی این سازمان را با رفتن رجوی به فرانسه دیدیم و هم‌اکنون، شکاف عمیقی بین سازمان به وجود آمده است و بسیاری از کسانی که حاضر به جنگ مسلحانه نیستند، کنار کشیده‌اند و توبه کرده‌اند و بسیاری هم در این سازمان خواهان فعالیت‌های سیاسی هستند که البته زمانش سپری شده و به‌طور کلی این سازمان در حال متلاشی شدن است.» فرمانده سپاه تهران درباره اقدامات امنیتی برای حفاظت از شخصیت‌ها گفت: «حتی در کشورهایی که پلیس و نیروهای امنیتی آنها دست به شیوه‌های غیرانسانی می‌زنند و آن‌همه اقدامات برای حفظ جان شخصیت‌هایشان انجام می‌دهند، در همان کشورها نیز ترور صورت می‌گیرد، ولی ما به‌هیچ‌وجه شیوه‌های پلیسی و اربابی را برای حفظ جان شخصیت‌های خود به کار نگرفته‌ایم و روشی منطبق با موازین انقلاب اسلامی درپیش داریم.» وی در ادامه افزود: «دولت و نیروهای مسئول باید وسائط نقلیه تندرو را که بیشتر ترورها و سوءقصد‌ها از طریق آنها انجام می‌گیرد به‌شدت کنترل کنند و زیر نظر قرار دهند.»

داوود کریمی در پایان، درباره شایعات محافل گوناگون خارج از کشور درمورد اختلاف

سپاه با ارتش گفت: «ضدانقلاب از بدو کار، سعی داشت که شایع کند سپاه به این خاطر آموزش سلاح‌های سنگین می‌بیند که ارتش را منحل [کند] و با این تبلیغات می‌خواستند ارتش اسلامی ما را تضعیف کنند، درحالی‌که امام با آن موضع‌گیری قاطع و سازش‌ناپذیر از روز اول فرمودند که ارتش باید احیا شود.»^(۴۲)

۲۵۴

درپی افزایش انتقادات از عملکرد شهربانی جمهوری اسلامی در مقابله با ترورهای روزهای اخیر سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، شهربانی جمهوری اسلامی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای، با تأکید بر آمادگی این ارگان برای حفظ جان شخصیت‌های کشور، موضوع تقسیم کار بین نیروهای شهربانی، سپاه و کمیته را برای حفاظت از برخی شخصیت‌های کشور عنوان کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

«درمورد حفاظت از شخصیت‌های مملکتی که امروز مورد تهاجم عناصر ضدانقلاب قرار می‌گیرند، آنچه که باید به استحضار ملت شریف ایران برسد آن است که پس از پیروزی انقلاب، مأموران محافظ مقامات و شخصیت‌های جمهوری اسلامی ایران بنا به صلاحدید دولت، از بین برادران کمیته‌ها و سپاه پاسداران انتخاب و حتی در اکثر موارد با صلاحدید شخصیت‌ها تعیین گردیده‌اند و این برادران نیز با دراختیارداشتن سلاح و تجهیزات لازم عهده‌دار این وظیفه می‌باشند. بنابراین، ملاحظه می‌فرمایند که امر، صرفاً یک نوع تقسیم کار بین نیروهای انتظامی است و شهربانی جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه، شانه از زیر بار مسئولیت خالی نکرده و درحدود امکانات و مقدوراتی که دراختیار دارد، آماده همه نوع همکاری می‌باشد.»

در پایان این اطلاعیه، ضمن تأکید بر پایداری بر عهد خود با امام و مردم، با اعلام چند شماره تلفن از آحاد مردم خواسته شده است که اطلاعاتشان را درباره فعالیت گروه‌های ضدانقلاب دراختیار شهربانی بگذارند.^(۴۳)*

* اطلاعیه شهربانی کل کشور درپی اعتراض برخی مقامات کشور ازجمله رئیس مجلس، چند تن از نمایندگان و اصناف و بازاریان به شهربانی درخصوص اهمال در حفظ جان افراد و شخصیت‌ها و کم‌بودن میزان گشت نیروهای شهربانی در سطح شهرها صادر شد. این اعتراض‌ها به‌ویژه پس از ترور چند روز اخیر شدت بیشتری یافته بود.

پس از انتشار این اطلاعیه، آقای مهدوی کنی وزیر کشور، در نامه‌ای خطاب به رئیس شهربانی با تشکر از زحمات نیروهای شهربانی که درواقع دلجویی و کاستن از فشار روانی ناشی از انتقادات اخیر بود، از فرماندهی و نیروهای شهربانی خواست انتقادهای مردم و مقامات مسئول را عاملی سازنده بدانند. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۳.

روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۵، ص ۱۲)

۲۵۵

آیت الله خامنه‌ای امام جمعه تهران و نماینده امام در شورای عالی دفاع، پس از ۴۲ روز



آیت الله خامنه‌ای امام جمعه تهران و نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع امروز از بیمارستان مرخص شد.

بستری بودن در بیمارستان قلب تهران و کسب بهبودی نسبی، امروز از بیمارستان مرخص شد.^(۴۴) شایان ذکر است که در روز ششم تیر ۱۳۶۰، یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به قصد ترور آیت الله خامنه‌ای بمبی در ضبط صوت بزرگی کار گذاشت و آن را روی تریبون سخنرانی وی در مسجد ابوذر (در محله نازی آباد در جنوب تهران) - که در آنجا برنامه هفتگی سخنرانی و پرسش و پاسخ داشت - قرار داد. این ترور به دلیل کامل عمل نکردن بمب به شکست انجامید، اما آیت الله خامنه‌ای در این حادثه از نقطه بالای کتف راست و بالای ران سمت راست به شدت مجروح شد؛ استخوان ترقوه او شکست و چند رگ و عصب دست راست وی نیز قطع شد.^(۴۵)

۲۵۶

آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، در بخشی از سخنان پیش از دستور امروز مجلس در پاسخ یکی از نمایندگان* که از ضرورت برخورد های جداگانه هواداران و سران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) سخن گفته بود، با تأکید بر اینکه برخی هواداران فریب خورده اند، اصل اقدامات سازمان را در ترورها و انفجارها یک جریان خیانت بار خواند و گفت: «من از یک جهت خوشحالم که جناب آقای ملک پور نماینده زرتشتیان بدون اینکه نمایندگان اعتراض بکنند این حرف را زدند و یک قدری تردید کردند در اینکه اعمال دادگاه های ما انتقامی باشد یا انقلابی. من نمی دانم چه تردیدی هست که این اعمال انقلابی است. اگر بنا هست که روی وصیت نامه سعادت بی بحث باشد، آن جهات دیگر را بحث کنید؛ آنجا که با صراحت گفته است: "رفقا امروز شما دارید آب به آسیاب

* سخنان پرویز ملک پور نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی درباره اقدامات اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق و سایر گروه های مسلح در ضمیمه گزارش آمده است.

امپریالیسم می‌ریزد." این را که باصراحت گفته است! خوب بود روی این هم تکیه می‌کردید. جریان‌های که با اعتراف کادر مرکزی خودشان در خدمت امپریالیسم قرار گرفتند، اعدام اینها انقلابی نیست؟ آنها با موتور در خیابان بدن پاسدار را زیر رگبار بگیرند و له کنند و با بمب قطعات بدن یک عابر را به سر درخت بیندازند، انقلابی هستند یا فریب‌خورده هستند؟ من البته قبول دارم که عده‌ای از بچه‌ها فریب‌خورده هستند، اما جریان یک جریان خیانت‌بار است. امروز اگر شما یک جاسوس اسرائیل را در ایران اعدام کنید، انقلابی نیستید؟ اگر لبنانی‌ها فالانژها را اعدام کنند یا بیرون کنند، انقلابی نیستند؟ آیا کتائب در لبنان به عنوان یک جریان فریب‌خورده قابل تحمل است؟ اینها همه همراه هستند. صدام، رجوی، بنی‌صدر، میتران، ریگان، بگین، بشیر جمیل، سادات که مثل راهزن هواپیمای ما را [در] مصر نگه داشته و می‌گوید نمی‌گذارم بیاید - آن وقت اینها می‌شوند دیسیپلین‌های بین‌المللی که دیگر این راهزنی روشن است. آقایان همه در یک جریان قرار گرفته‌اند و آیا اینها فریب‌خورده‌هایی هستند که ما باید به اینها رحم بکنیم؟ ما داریم رحم می‌کنیم، اما ملت ما را نمی‌بخشد که رحم کنیم. این ملت وقتی که کارد به استخوانش برسد، خودش دست درمی‌آورد و اجازه نمی‌دهد که این طور نیروهای انقلابی ما را در خیابان ترور کنند و آن وقت ما این را به عنوان یک جریان فریب‌خورده بخواهیم قلمداد کنیم. البته، من باز هم مثل گذشته به جوان‌ها و بچه‌هایی که در این دام افتاده‌اند، تأکید می‌کنم که برگردند و از دادگاه‌ها تقاضا کرده‌ام که راه بازگشت را به اینها نشان بدهند، اما این را بدانید که جریان امروز عمیق‌تر از این حرف‌هاست. در حرف‌های خود آقای ملک‌پور هم [به این نکته اشاره شده بود] که امپریالیسم نقشه کشیده و درست تخم‌ریزی کرده و امروز داریم نتیجه می‌گیریم. بچه‌ها را جلو انداخته است که جریان انقلاب ما را متوقف کند. این مسئله هم اگر فریب‌خوردگی هست، اما از حد خیانت کمتر نیست و قاطعیت ضرورت دارد؛ درعین حال، از نظر من راه بازگشت هم برای بچه‌های مسلمان ضروری است؛ یعنی ما باید راه بازگشت را برای اینها باز کنیم. البته، آقای ملک‌پور دلسوزانه حرف زده‌اند و ایشان نظری داشته‌اند که می‌خواستند بگویند و تریبون مجلس هم جای این حرف‌هاست و باید این حرف‌ها گفته شود و البته باید مطالب روشن شود.^(۴۶)

۲۵۷

با گذشت چند روز از انتشار وصیت‌نامه محمد رضا سعادت‌ی از اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، انتقادهای وی از مواضع سازمان همچنان مورد توجه محافل سیاسی و رسانه‌ای کشور قرار دارد.

این موضوع از آن جهت بیشتر اهمیت دارد که سعادت‌ی یکی از چپ‌ترین اعضای کادر مرکزی سازمان، آن را مطرح کرده است. علاوه بر این، طرح این موضوعات در زمان فرار بنی‌صدر و رجوی از کشور - که دوره‌ای جدید از تقابل‌های سازمان با نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود - می‌تواند بر شماری از اعضا و هواداران سازمان تأثیر بگذارد و سبب شود تا عده‌ای از آنان در

مواضعشان تجدیدنظر کنند، اما سازمان در بیانیه‌های رسمی‌اش با اتخاذ مواضع بسیار تند و توهین به نظام و رهبری و صرفاً پرداختن به خبر اعدام وی، کوچک‌ترین اشاره‌ای به متن وصیت‌نامه سعادت‌ی نکرده است. علاوه بر محافل سیاسی و افرادی که به تبیین و تشریح دیدگاه‌های سعادت‌ی پرداخته‌اند، روزنامه‌های این دوره نیز به‌طور گسترده این موضوع را انعکاس داده‌اند؛ ازجمله روزنامه کیهان که در دو شماره به تحلیل مواضع و دیدگاه‌های مندرج در وصیت‌نامه پرداخته است؛ هرچند که به دلیل فضای بسته خبری حاکم بر تشکیلات سازمان به‌ویژه بر رده‌های پایین و هواداران، امید چندانی به اینکه این اقدام تأثیری بر افراد سازمان بگذارد، وجود ندارد.^(۴۷)

۲۵۸

شماری از افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در انگلیس و آمریکا در اقدامی تبلیغاتی دست به اعتصاب زده و راهپیمایی‌هایی برگزار کردند. این اقدامات در رسانه‌های این کشورها انعکاس یافت. شمار معدودی از هواداران سازمان مجاهدین خلق در انگلیس، پنجمین روز اعتصابشان را در میدان ترافالگار لندن سپری کردند.

روزنامه تلگراف (چاپ لندن) عکس بزرگی از این افراد را در صفحه اول خود آورده و درباره آن چنین توضیح داده است: «این افراد که - دائماً در پشت پلاکاردهای خود مخفی‌اند - مدعی هستند که ۳۵۰۰ امضا علیه رژیم ایران جمع‌آوری کرده‌اند و چون نگران تیرباران شدن می‌باشند، ناچار صورت خود را می‌پوشانند، ولی آنها تعداد بسیار کوچکی هستند که هر روز، چند ساعتی اعتصاب می‌کنند، ولی علی‌رغم انتظارشان مورد حمایت قرار نگرفته‌اند و مردم توجهی به گفته‌ها و نوشته‌های آنان ندارند.»^(۴۸)

رادیو لندن نیز این خبر را این‌گونه منعکس کرد: «تعداد این عده به ۴۰ تن می‌رسد، ولی [آنان] مدعی هستند که تعدادشان ده هزار نفر است و اقدام آنان به‌منظور کوششی در جهت نفوذ در سیاست دولت بریتانیا نسبت به ایران است.»^(۴۹)

در ایالت نیوجرسی آمریکا نیز شماری از هواداران سازمان که پس از اعتصاب غذا و با اعتراض اهالی محل مبنی بر ایجاد راه‌بندان در خیابان، دستگیر شده بودند، به دلیل تحویل ندادن اوراق هویتشان همچنان در بازداشت زندان فدرال آمریکا به سر می‌برند. در همین خصوص، خبرگزاری آسوشیتدپرس از نیویورک اعلام کرد: «در اعتراض به این دستگیری‌ها، ۳۵ نفر ایرانی دیگر عضو انجمن دانشجویان مسلمان (هواداران سازمان مجاهدین خلق) در برابر ساختمان فدرال دست به راهپیمایی زدند و اعلام کردند که تا آزادی دوستانشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.»^(۵۰)

* بخش‌هایی از مطلب روزنامه کیهان در تبیین مواضع یکی از اصلی‌ترین افراد کادر مرکزی سازمان، در ضمیمه گزارش آمده است.

۲۵۹

نشریه *اخبار/الخلیج* (چاپ بحرین) در مقاله‌ای به بررسی روابط ایران و فرانسه و دلایل ایجاد تیرگی در روابط دو کشور پرداخته است. در این مطلب چهار دلیل برای این تنش بیان شده که مهم‌ترین آن منافع فرانسه در فروش تجهیزات نظامی به کشورهای منطقه؛ از جمله عراق و عربستان است. در بخشی از این مطلب آمده است: «درحقیقت، باید گفت که تیرگی روابط میان فرانسه و ایران چند علت دارد که آخرین آنها ورود بنی‌صدر به پایتخت فرانسه می‌باشد و برای توضیح بیشتر این علت‌ها باید کمی به عقب برگردیم؛ اولاً اینکه، از ماه فوریه گذشته، فرانسه تحویل هواپیماهای میراژ اف ۱ را که عراق در سال ۱۹۷۷، قرارداد خرید آنها را امضا کرده بود، آغاز کرد و ۴ فروند از این هواپیماها در روزهای اول همان ماه وارد عراق شدند و طبیعی است که این عمل دولت فرانسه عکس‌العمل گسترده‌ای در ایران به وجود بیاورد؛ دوم، گسترش روابط و همکاری حسنه میان فرانسه و عراق پیش از بمباران راکتور اتمی عراق در ماه ژوئیه [تیر - مرداد ۱۳۶۰] گذشته و اعلام آمادگی فرانسه برای بازسازی راکتور مزبور؛ همان‌طور که عده‌ای از مقامات فرانسوی و از جمله کلود شسون وزیر امور خارجه آن کشور، اظهار داشتند؛ سوم، احساس فرانسه دایر بر اینکه ایران به علت رد پیشنهادات صلح بین‌المللی و اسلامی به منظور پایان دادن به جنگ این کشور با عراق و همچنین به خاطر سرکوبی عناصر لیبرال و ملی در داخل، در انزوا به سر می‌برد؛ چهارم، احساس نگرانی فرانسه از اینکه نزدیکی بیشتر به ایران، ممکن است منافع این کشور را در جهان عرب و در منطقه خلیج [فارس] به خطر اندازد و کافی است که یادآور شویم که جهان عرب ۸۰٪ نفت مصرفی فرانسه را تأمین می‌کند و یک قرارداد مدرنیزه کردن نیروهای دریایی عربستان سعودی، ۱۴ میلیارد دلار ارزش دارد، چه برسد به مجموع قراردادهای کشورهای عرب با فرانسه؟

در اینجا آخرین پرسشی که مطرح است، این است که در صورت عدم اخراج بنی‌صدر از فرانسه، اوضاع چگونه خواهد بود؟ و آیا ماندن او در پاریس به مثابه آخرین میخی می‌باشد که بر تابوت روابط ایران و فرانسه کوبیده خواهد شد؟^(۵۱)

۲۶۰

در پی انتشار مطلب خبرگزاری آسوشیتدپرس در مقایسه دوران اقامت و فعالیت‌های امام خمینی در پاریس با وضعیت فعلی بنی‌صدر در این شهر،* روزنامه *اطلاعات* در تفسیری حمایت محافل سیاسی و رسانه‌ای فرانسه را برای توجیه اعطای پناهندگی سیاسی بنی‌صدر و رجوی با مستمسک قرارداد اقامت موقت امام خمینی در پاریس نقد کرد. در تفسیر روزنامه

* قسمتی از این مطلب در روز شمار ۱۶/۵/۱۳۶۰ آمده است.

اطلاعات آمده است: «خبرگزاری آسوشیتدپرس در تفسیری به مقایسه وضعیت اقامت امام خمینی و بنی صدر در فرانسه پرداخته و در عین حالی که در این تفسیر سعی دارد از بنی صدر چهره قهرمان گونه‌ای مانند امام بسازد، لکن در شرح وجوه تمایز اقامت این دو می‌نویسد: "به هر حال، اختلاف مهمی در وضعیت سیاسی این دو مرد وجود دارد. به گفته وزارت خارجه فرانسه، [امام] خمینی با یک پاسپورت کاملاً معتبر وارد شد. وی رسماً یک توریست بود؛ بنابراین، اجازه داشت هر چیزی را که مایل است بگوید، مگر درخواست برای خشونت. [و حال آنکه] بنی صدر بدون پاسپورت وارد شد و درحقیقت "آواره سیاسی" است و به همین دلیل، از فعالیت سیاسی منع شده است."

لازم به تذکر است که از وقتی که بنی صدر و رجوی توسط خلبان شاه معدوم به فرانسه گریختند، دائماً رسانه‌های گروهی و به ویژه محافل سیاسی فرانسه سعی دارند عمل ننگین خود در زمینه پناهندگی دادن به دو جنایتکار تحت تعقیب را با مستمسک قراردادن اقامت موقت امام در پاریس توجیه کنند، در صورتی که مطلب بالا نشان می‌دهد که اصولاً مقامات فرانسوی حق نداشتند کسی را که از یک پاسپورت بسیار معتبر برخوردار بوده به خاک خود راه ندهند و یا از فعالیت‌های سیاسی وی ممانعت به عمل آورند و مقایسه این وضعیت با پناهنده شدن دو متهم فراری که با هیچ معیار و میزان قانونی و انسانی قابل توجیه نیست، چیزی جز خلط مبحث به منظور سرپوش گذاشتن بر روی نقش خائنانه دولت فرانسه در پایگاه قراردادن خاک این کشور برای ضدانقلابیون و محکومان ایران و همکاری مستقیم این کشور در جنایاتی که هم‌اکنون وابستگان این گروه‌ها در ایران صورت می‌دهند، نیست»^(۵۲)

روزنامه جمهوری (چاپ ترکیه) نیز در مطلب مشابهی، درباره این موضوع نوشته است: «بین [آیت‌الله] خمینی و بنی صدر از نظر حقوقی فرقی‌هایی وجود دارد. آیت‌الله خمینی درحالی که مبارزه خود را برعلیه رژیم شاه ادامه می‌داد، حین سفر به فرانسه صاحب یک گذرنامه معتبر بود، درحالی که بنی صدر یک چنین سند معتبری را ندارد و از پاریس درخواست پناهندگی سیاسی کرده است.»^(۵۳)

۲۶۱

اخبار مربوط به تیره شدن روابط سیاسی ایران و فرانسه پس از فرار بنی صدر و رجوی به پاریس و پاسخ منفی این کشور به درخواست رسمی ایران مبنی بر استرداد بنی صدر، در رسانه‌های غربی بازتاب گسترده‌ای داشت. روزنامه *اطلاعات* اخبار رادیو لندن و صدای آمریکا را درباره این موضوع بدین ترتیب آورده است:

رادیو لندن: «خودداری دولت فرانسه از بازگرداندن آقایان ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق، منجر به پدیدآمدن بحرانی در روابط سیاسی ایران و فرانسه گشته است و این نگرانی را به وجود آورده است که اتباع فرانسه ممکن است در ایران مورد انتقام‌جویی قرار گیرند. ...

ایران به سفیر فرانسه گفت ظرف سه روز خاک ایران را ترک گوید و خبرنگار بی‌بی‌سی از فرانسه گزارش می‌دهد اکنون با تیرگی روابط دو کشور، سرنوشت این گروه فرانسوی، نگرانی دولت فرانسه را به وجود آورده است. طبیعتاً فرانسویان از حوادثی که منجر به گروگان‌گیری آمریکاییان در ۱۹۷۹ شد، غافل نیستند. پناهنده شدن آقای بنی‌صدر و آقای رجوی به فرانسه، در حال حاضر که مهم‌ترین مخالفان رژیم ایران می‌باشند، بر مشکلات بین دو کشور افزوده و عمل تلافی‌جویانه ایران اکنون حالت تهدید واقعی به خود گرفته است. ... تظاهرات ضدفرانسوی که در خارج سفارت فرانسه در تهران برگزار می‌شود - که همراه با حملات تحریک‌آمیز علیه فرانسه در مجلس ایران و در وسایل ارتباط جمعی کشور به عمل می‌آید - بدون شک این خطر را افزایش می‌دهد که با این تحریکات و تشویق‌ها و در اثر هیجانات حاصله به اتباع فرانسوی در ایران حمله شود. گروگان‌گیری در سفارت آمریکا نیز عیناً با چنین مقدمه‌ای آغاز شد.»

رادیو آمریکا: «دولت فرانسه اصرار می‌کند که بین تقاضای رژیم اسلامی برای برگرداندن بنی‌صدر به ایران و جلوگیری از خروج ۶۲ نفر از اتباع فرانسوی از فرودگاه تهران، ارتباطی وجود ندارد. بنا به نوشته واشنگتن پست، هنگامی که آقای میتران رئیس‌جمهور فرانسه بعد از تظاهرات هفته گذشته در تهران از اتباع فرانسه خواست از ایران خارج شوند، وضعی را که برای اتباع آمریکا در اشغال سفارت آمریکا در تهران پیش آمد، در نظر داشت. از طرف دیگر، مقامات وزارت خارجه فرانسه نسبت به وضع ۱۴۰ نفر از اتباع فرانسه؛ از جمله ۳۰ نفر دیپلمات فرانسوی - که هنوز در ایران هستند و از خروج آنان ممانعت به عمل آمده است - نگران‌اند.

مقامات فرانسوی براساس مذاکرات بین سفیر فرانسه، ۶۰ نفر از فرانسویان [را] دوشنبه آینده و ۶۰ نفر دیگر آنان [را] روز چهارشنبه با پروازهای معمولی هواپیماهای ایرانی از تهران خارج خواهند کرد. ظاهراً آقای میتران دستور داده است که ۵ دیپلمات فرانسوی در تهران باقی بمانند تا روابط و مناسبات سیاسی قطع نگردد.» (۵۴)

ضمیمه گزارش ۲۴۳: گزارش واحد اطلاعات عملیات سپاه از وضعیت فرماندهی و نیروهای عراقی شرکت کننده در عملیات دارخوین براساس اطلاعات به دست آمده از اسرای عراقی

واحد اطلاعات عملیات سپاه خوزستان، در گزارشی به فرماندهی سپاه این استان، که براساس بازجویی از اسیران این عملیات تهیه شده، وضعیت فرماندهی و نیروهای شرکت کننده در عملیات را این گونه شرح داده است:

«براساس اظهارات اسرا، دشمن از تاریخ ۱۳۶۰/۵/۱۵، گردان ۵ از تیپ ۳۲ نیروی مخصوص را از منطقه سوسنگرد برای شرکت در حمله حرکت می دهد و در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۱۶ نیز گردان ۶ از همین تیپ را که در نزدیکی خانقین در محلی به نام درواشکه درحال تجدید سازمان بوده نیز به شمال شرقی مارد می آورد و به همراه این ۲ گردان، یک گروهان کماندو که هویت آن مشخص نشده است، برای شرکت در حمله آماده می شوند. در روستای مارد، فرمانده تیپ ۳۲، پرسنل عراقی را جمع کرده و برای آنها سخنرانی می نماید و اظهار می دارد که شما باید ما را روسفید کنید و دو خاکریزی را که نیروهای ایرانی در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ از ما گرفته بودند، مجدداً به تصرف خود درآورید. در پشت خاکریز اول ایرانی ها، نیروی عمده ای نیستند و اکثرأ مریض و بی حال و خسته هستند و نیروی زرهی هم فقط ۶ دستگاه نفربر است و بعد از اینکه آتش تهیه شدیدی بر روی نیروهای ایرانی ریخته شد، آنها فرار خواهند کرد و شما به راحتی می توانید این خاکریزها را به تصرف خود درآورید و بعد از تصرف ۲ خاکریز، تیپ ۳۳ نیروی مخصوص، مواضع متصرفه را تحکیم خواهد کرد. در این عملیات، ۱۰ گردان توپخانه (۱۸۰ قبضه توپ) از شما پشتیبانی خواهند کرد و ضمن اظهار یکی از اسرا، فرمانده گردان تیپ ۳۲ گفته است که ۵ پایگاه موشکی از شما پشتیبانی می کنند و در این حمله، ۳ گردان تانک نیز به عنوان نیروی پشتیبانی شرکت خواهند کرد.»^(۵۵)

واحد اطلاعات عملیات سپاه براساس گفته های اسیران و شیوه اجرای عملیات و فرماندهی نیروهای عراقی، گزارش تحلیلی دیگری به این شرح تهیه کرده است:

«مطالب زیر در حمله اخیر در مورخه ۱۳۶۰/۵/۱۸، قابل تعمق است:

۱. نیروهایی را که دشمن برای این حمله در نظر گرفته بود، ۲ گردان نیروی مخصوص بود که از سوسنگرد و خانقین به منطقه آورده بود و اصلاً به منطقه آشنایی نداشتند و از نیروهای در خط استفاده نکرده است. اطلاعات دروغ از وضعیت نیروهای ما به آنها داده بودند؛ برای نمونه به آنها گفته بودند که در پشت خاکریز ایرانی ها نیروی بسیار کمی به همراه ۶ دستگاه نفربر است که به محض اجرای آتش تهیه فرار خواهند کرد و یا اینکه ۱۰ گردان توپخانه و ۳ گردان تانک در این حمله از شما پشتیبانی خواهند کرد. البته، این مطلب تازگی ندارد؛ عراقی ها از این حيله در جبهه های دیگر مانند سوسنگرد نیز استفاده کرده اند.

۲. تهدید به ایستادگی در مقابل نیروهای ما: در حمله اخیر، فرمانده تیپ ۳۲ در حین سخنرانی به پرسنل عراقی اظهار داشته که شما باید ۲ خاکریز را از ایرانی ها پس بگیرید و اگر کسی برگردد او را اعدام می کنیم و خانواده اش را تا ابد حبس می کنیم.

۳. عدم روحیه جنگیدن: این مطلب قابل توجه است که در اوایل جنگ، پرسنل عراقی از روحیه خوبی برخوردار بوده و در اکثر جبهه ها پیشروی داشتند، لکن بر اثر طولانی شدن جنگ و تلفات سنگینی که بر پرسنل ارتش عراق وارد شد، تا جایی که طبق آماری که وزارت دفاع عراق انتشار داده، در ۳۹۹ روز جنگ؛ یعنی ماه دهم، تلفات و خسارات ارتش عراق ۱۶ هزار کشته و ۲۴ هزار زخمی و یکصد میلیارد دلار خسارت بوده است.

سربازان عراقی روحیه جنگیدن را از دست داده و اکثراً خسته و فرسوده شده اند و تمایلی به جنگیدن ندارند و میل به اسیر شدن و پناهنده شدن در آنها به تدریج شدت می یابد. آمار اسرا و پناهندگان مؤید این مطلب است.

۴. ارتش عراق سعی دارد به هر طریق که شده، وانمود نماید که عراقی ها هنوز قدرت پیشروی و هجوم را دارند که این مطلب در حملات مشابهی که در محورهای سوسنگرد - دزفول و اخیراً در دارخوین صورت گرفته، کاملاً مشهود است.

توجه: همان گونه که در مطلب بالا آمد، عراق سعی دارد به هر طریق که شده روحیه هجومی را در پرسنل خود زنده کند، هر چند که این تجدید روحیه با تلفات زیاد احیا شود. برای مثال، در حمله اخیر

دارخوین، سران ارتش عراق از یک معبر حدود یک کیلومتری، حداقل ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر را برای تصرف یک خاکریز آرایش می‌دهند که از این عده، حدود ۱۵۰ نفر کشته و زخمی و ۲۵ نفر به اسارت درمی‌آیند؛ لذا باید در سایر جبهه‌ها هشیار بود، زیرا که امکان این‌گونه حملات در سایر جبهه‌ها متصور است و تنها راه مقابله با آن فقط هشپاری نیروهای ما می‌باشد.»

حسن باقری مسئول اطلاعات عملیات ستاد جنوب، پس از دریافت این گزارش ذیل آن نوشت: «این تحلیل به صورت جامع تر و روش‌های مقابله به صورت کتبی برای تمام محورها تهیه و ضمن طرح در جلسه عملیات برای آنها ارسال گردد.»^(۵۶)

از سوی دیگر، فرمانده لشکر ۳ زرهی عراق نیز این عملیات را تحلیل کرده و درمورد دلایل شکست نیروهای عراقی در این عملیات به سه مشکل اساسی در تاکتیک واحدهای ارتش عراق و قابلیت نیروهای ایرانی در بهره‌برداری از نقاط ضعف عراقی‌ها اشاره کرده است. این تحلیل برای بهره‌برداری به همه واحدهای این لشکر ابلاغ شد. در این گزارش، فرماندهی ارشد ارتش عراق دلایل شکست نیروهای عراقی را این‌گونه بیان کرده است:

دقت اطلاعات

اگر اطلاعات از واحدهای خط مقدم، صحیح به قرارگاه فرماندهی انتقال داده شوند، طبیعتاً تصمیم‌گیری‌ها نیز صحیح خواهند بود. اگر عکس این باشد، تصمیم‌گیری‌ها نیز مؤثر واقع نخواهند شد. به خصوص اگر اطلاعات متناقض باشند، سبب می‌شوند که وقت زیادی تلف شده که این امر سبب ایجاد فرصت برای دشمن جهت انجام عملیات می‌شود. مثلاً فرمانده تیپ ۳۲ نیروی مخصوص در ساعت ۰۰:۴۰، با قرارگاه سیار لشکر تماس گرفت و گفت که خاکریز اول را تصرف کرده و پس از آن، در ساعت ۰۱:۳۰، فرمانده تیپ دوباره تماس گرفته، اطلاع داد که گردان ۹ نیروی مخصوص تاکنون نتوانسته به خاکریز برسد و در نزدیکی آن است. گزارش فرمانده تیپ حتماً با استناد به گزارشات واحدهای مقدم بوده و این گزارشات را فرماندهان واحدها داده‌اند و فرماندهان واحدها نیز براساس گزارش فرماندهان گروهان‌ها و همین‌طور تا به سربازان خط مقدم می‌رسد. در نتیجه، باید قبل از اینکه خبر به قرارگاه لشکر داده شود، مرور شود.

استفاده از نیروی مخصوص

مأموریت‌های نیروی مخصوص محدود هستند به عملیات شبیخون، کمین، گشتی، عملیات چریکی؛ مانند: حمله به قرارگاه‌ها، کوبیدن نیروهای دشمن مستقر در پشت، نفوذ به مواضع عمقی دشمن و حمله به آشیانه‌های تانک‌های دشمن. کلیه این عملیات نیز در حد یک گروهان صورت گرفت. تاکنون سابقه نداشت که نیروی مخصوص به استعداد یک تیپ در عملیاتی تمرینی شرکت کند. شرکت در عملیاتی به استعداد یک تیپ یا بیشتر مخصوص افراد پیاده است؛ چنانچه قبل از جنگ برای هر لشکر یک گردان نیروی مخصوص اختصاص داده شده است. در این عملیات از نیروی مخصوص به عنوان نیروی پیاده استفاده شد که نیروی مخصوص به آن آشنایی نداشت. ضمناً برای نیروی مخصوص در این حمله باید به هدفی از رویه‌رو حمله کرد و آن‌هم با قیدوند آتش توپخانه که این‌هم برای نیروی مخصوص مأنوس نبوده، بلکه نیروی مخصوص عادت دارد که عملیات سریع و مخفیانه انجام دهد. به همین دلیل، می‌بینیم که گردان ۵ نیروی مخصوص به محض وصول به خاکریز اول، بدون توجه به طرح و وقت‌های تعیین شده و آتش تهیه به طرف خاکریز دوم حرکت کرده، سبب شد که آتش توپخانه خودی بر آب مؤثر واقع شود.

هماهنگی و کنترل

پیشروی گردان ۵ و گردان ۶ نیروی مخصوص به طور جداگانه صورت گرفت و هریک هدفی داشته و به تنهایی به سوی آن حمله‌ور شدند؛ بدون اینکه هماهنگی داشته باشند، به طوری که گردان ۵ نیروی مخصوص به خاکریز اول رسید و به طرف خاکریز دوم حرکت کرد، در صورتی که گردان ۶ نیروی مخصوص هنوز به خاکریز اول

نرسیده بود. درپیشروی این دو هماهنگی وجود نداشت و علاوه بر این، فاصله‌ای بین آنها افتاد که دشمن از آن، جهت کوبیدن گردان ۶ استفاده نمود. فرمانده گردان ۵ نیروی مخصوص کنترل واحدهای خود را از دست داده بود، چون دو گروهان از گردانش به سوی خاکریز دوم حرکت کردند بدون اینکه او مطلع باشد و ادعا می‌کرد که از این جریان اطلاعی نداشت. قرارگاه تیپ ۳۲ نیروی مخصوص نیز بر واحدها کنترل نداشت و هر واحد جداگانه کار می‌کرد. اداره جنگ از جانب قرارگاه سیار لشکر به طور کامل انجام گرفت، به طوری که هیئت ستاد به دقت و به سرعت و به آرامی خواسته‌های واحدها را در خلال جنگ تأمین کرد.

در قسمت دیگری از این گزارش دلایل شکست عملیات در ۸ بند بدین ترتیب آمده است: «علل اصلی عدم موفقیت عملیات به شرح زیر می‌باشند:

۱. عدم هماهنگی بین واحدها و واحدهای فرعی که با آنها سازماندهی شده‌اند.
۲. عدم استفاده مطلوب از اسلحه پشتیبانی موشک‌اندازها و مسلسل‌ها. دائماً از توپخانه خواسته می‌شد تا مواضع دشمن را زیر آتش بگیرند.
۳. گزارش کردن وضعیت‌های متضاد و اشتباه از مسیر جنگ به قرارگاه‌های بالا.
۴. ضعف ابتکارات فرماندهان در مقابله با وضعیت‌های ویژه.
۵. ضعف فرماندهی در واحدها و واحدهای فرعی نتیجتاً به ضعف فرماندهی در سطحی بالاتر انجامید.
۶. عدم استفاده از روشی صحیح درمورد درخواست آتش تهیه. درخواست آتش تهیه باید از سوی افسران دیدبان صورت می‌گرفت، در صورتی که به کرات از طرف فرماندهان و از طریق فرمانده توپخانه لشکر درخواست آتش تهیه می‌شد.
۷. درخواست اجرای آتش تهیه به مواضع عمقی در ابتدای عملیات و سپس درخواست بازگشت آن به حالت اول سبب بروز تلفات و دستپاچگی در واحدها گردید.
۸. پیشروی واحدها و واحدهای فرعی بدون توجه به زمان‌بندی‌های حمله و آتش تهیه.^(۵۷)

ضمیمه گزارش ۲۵۶: سخنان پرویز ملک‌پور نماینده زرتشتیان ایران در مجلس شورای اسلامی درباره عناصر سازمان مجاهدین خلق (متافقین)

پرویز ملک‌پور نماینده زرتشتیان ایران، در سخنان پیش از دستور امروز، به جایگاه مجلس که محلی برای اظهارنظر آزادانه نمایندگان مردم است اشاره کرد و تهدیدهای متعدد و متنوع علیه نظام جمهوری اسلامی ایران را یادآور شد. وی با ابراز تردید در اینکه برخورد با هواداران و افرادی که در اقدامات مسلحانه علیه نظام شرکت دارند، اقدامی از سر عصبانیت است یا اقدامی انقلابی پنداشته می‌شود، با اشاره به بمب‌گذاری‌های اخیر عوامل آمریکا برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، گفت: «آنها منتظر نتیجه‌گیری هم هستند. آنها می‌خواهند ما را عصبانی کنند و به انتقام‌جویی وادارند و آن وقت فرصت به دست آورند و اعمال ناشی از عصبانیت ما را که طبعاً قابل دفاع نیست، به رخ مردم دنیا بکشند. این جوانان ۱۸ و ۲۰ ساله‌ای که امروز در دام ضدانقلاب‌اند، تنها فریب‌خوردگان‌اند. اینها هیچ‌کدام عامل حقوق‌بگیر سیا یا اینتلجنس سرویس نیستند؛ اینها افراد خاصی هستند که به گمان خدمت به انقلاب در دام امپریالیستی ضدانقلاب افتاده‌اند. اینها بالقوه انقلابی‌اند، منتها باید بفهمند، باید ارشاد شوند. نباید فریب‌خوردگان جوان و افراد خام بی‌تجربه را با سران وابسته و جنایتکار آنها به یک چوب راند. جدانکردن اینها از یکدیگر ضرر عمده دیگری هم دارد و آن این است که ضدانقلاب حرفه‌ای را از زیر ضربه خارج می‌کند. ضدانقلاب عریان؛ یعنی ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، نه خانه تیمی دارند و نه با ساکی پر از اعلامیه بر دوش خود، به بیرون می‌آیند. ارتباطات و توطئه‌های آنها خیلی مدرن‌تر از اینهاست.

من نه از پرونده‌ها اطلاع دارم و نه این اعدام‌شدگان را می‌شناسم، از کار و عمل و رفتار آنها هم متنفرم، ولی یک مثال بزنم؛ من وقتی که وصیت‌نامه سعادت را خواندم، به خودم لرزیدم. آیا من به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی و به عنوان کسی که به انقلاب و به پیروزی آن با تمام وجودم عشق می‌ورزم،

می‌توانم فردا در برابر اهورامزدا پاسخی بدهم؟ آیا این، یک انتقام بود یا یک عمل انقلابی؟ من حکم نمی‌کنم، ولی به هر حال، حادثه‌ای است که مرا پریشانی تنها مربوط به همین یک مورد نیست.»

نماینده زرتشتیان ایران در بخش‌های دیگری از سخنانش به توطئه‌های دشمنان انقلاب نیز اشاره کرد و در دفاع از انقلاب گفت: «انقلاب بزرگ ما تاکنون، از فرازونشیب‌های زیادی گذشته است. دشمنان عریان انقلاب، سلطنت‌طلبان، ساواکی‌ها، وابستگان دربار و جاسوسان امپریالیسم و در کنار آنها سرمایه‌داران و مالکان بزرگ، دشمنان اصلی انقلاب بودند و هنوز هم هستند. حامی همه آنها امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا است. امریکا و یاران او در اروپا و آسیا، جمهوری جوان را محاصره اقتصادی کردند؛ به تجاوز آشکار طبس دست زدند؛ کودتای نوژه را ترتیب دادند و صدام جنایتکار را به جان ما انداختند. رئیس‌جمهور ظاهر صلاحی را بر ما تحمیل کردند که در یک دست، دست اقتصاد و توحیدی داشت و در دست دیگر خود کتاب آسمانی قرآن را به ما نشان می‌داد و قبول کنیم که همراه ما، مردم انقلابی ما هم فریب خوردند و او را پذیرفتند تا آن کرد که همه دیدیم، ولی امپریالیسم از هیچ‌کدام از اینها سود نبرد و از هر توطئه، سرشکسته‌تر بیرون آمد. اگر با خوش‌یاوری بخواهیم فرض را بر این بگیریم که در هیچ‌کدام از این موارد؛ خود ما؛ یعنی جبهه انقلاب، تقصیری نداشته‌ایم دو زیان اصلی خواهد داشت: اول اینکه به خواب خوش فرومی‌رویم و به بزرگ‌ترین دشمن خود؛ یعنی غرور، میدان می‌دهیم و از این راه نفوذ دشمن را آسان‌تر می‌کنیم؛ دوم اینکه، ریشه‌های دشواری‌ها را نمی‌شناسیم و همچنان در زردوخورد با جزئیات و فرعیات، خود را مشغول می‌داریم. چه شد که کسانی همچون امیر انتظام و نزیه و مراغه‌ای، قطب‌زاده و مهدیون و محقق و دیگران در اولین حکومت بعد از انقلاب راه یافتند؟ چه شد که بنی‌صدر توانست خود را به‌عنوان یک قهرمان جا بزند و نخستین رئیس‌جمهور کشور انقلابی ما بشود؟ چه شد که ما نتوانستیم هجوم هواپیماها و هلیکوپترهای امریکایی را به طبس بفهمیم؟ و چه شد که همه مدارک موجود در این هلیکوپترها همراه با جان پاک رئیس پاسداران یزد، با بمب‌های خودمان از بین رفت؟ چه شد که با همه آگاهی‌هایی که داشتیم و با همه هشدارهای سازمان‌های انقلابی، خود را آماده دفاع در برابر هجوم راهزنان صدام نکردیم؟ داستان هویزه و کم‌وکیف آن کدام است؟ مگر ما از نوع پاسداران جان‌پاکی که در آنجا به قتلگاه فرستاده شدند، چقدر داریم و آیا تحقیق درباره آن را انجام داده‌ایم؟ اگر نشینیم و درباره همه اینها با دقت مطالعه نکنیم و ریشه‌ها را پیدا نکنیم، نمی‌توانیم امید این را داشته باشیم که دیگر از این حوادث در آینده پیش نیاید.»^(۵۸)

ضمیمه گزارش ۲۵۷: تحلیل شخصیت و متن وصیت‌نامه محمدرضا سعادتی در روزنامه کیهان

روزنامه کیهان در مطلب خود پیش از بررسی متن وصیت‌نامه محمدرضا سعادتی خلاصه‌ای از خصوصیات اخلاقی، رفتاری و سازمانی وی را بدین ترتیب آورده است:

«اکنون باتوجه به تحولاتی که پس از اعدام نامبرده در مرکزیت سازمان مجاهدین (عمدتاً فرار رجوی به پاریس) روی داد، پرداختن به این مسئله و قضاوت درباره آن را ضروری می‌دانیم.

درباره خصوصیات اخلاقی سعادتی پیش از انقلاب باید گفت آنان که سید؛ یعنی سعادتی را می‌شناختند و با او در زندان هم‌بند و هم‌سلول بودند خوب می‌دانند که نامبرده از ویژگی خصلتی - ایدئولوژیک خاصی برخوردار بود. او نسبت به سازمان غرور ویژه‌ای داشت؛ از مارک‌خوری هراس عجیبی داشت؛ همواره تلاشش این بود که با جریانات از موضع عمیقاً چپ و به قول خودش از موضع متکامل‌تر برخورد کند. با افراد مسلمان؛ از جمله روحانیون مبارز از موضع مسلط برخورد می‌کرد، اما نسبت به افراد مارکسیست ضعیف عجیبی از خود نشان می‌داد و با آنان از موضع انفعالی برخورد می‌نمود. همواره سعی می‌کرد جواز مشروعیت کلامش را و موضعش را از مارکسیسم دریافت کند.

سید محمدرضا سعادتی در محیط عبادت بیشتر به جنبه‌های مادی مراسم تکیه داشت. نماز را صرفاً از نقطه نظر ضدامپریالیستی تعبیر و تأویل می‌کرد، فلسفه روزه را در حد رژیم‌گرفتن انسان برای کسب توانایی‌های انقلابی تنزل می‌داد. به خطبه‌های علی^(ع) در نهج‌البلاغه بیشتر اعتماد داشت تا به قرآن؛ و البته

خصوصیت‌های دیگری نیز داشت که پرداختن به آن در این مقال ممکن نیست. در مجموع، آنچه که می‌توانیم درباره او بگوییم این است که وی شدیداً چپ بود؛ شدیدتر از آنچه که ذهنمان متصور باشد. سخن فوق هرگز قضاوت عاری از حقیقت یا پیش‌داوری غلط نیست، بلکه حقایقی است که خود سید محمدرضا سعادتی نیز در آخرین لحظات از حیات خود به آنها اذعان کرده است. سعادتی در قسمتی از وصیت‌نامه خود و در تعریف بارزترین و عینی‌ترین خصوصیت افراد سازمان می‌گوید: "عزیزان، ما یک بار دچار غرور سازمانی شده‌ایم و نتیجه تلخ آن را نیز چشیده‌ایم. مبدا که دوباره ما دچار همان غرور سازمانی شده باشیم. من فکر می‌کنم که این غرور فعلاً وجود دارد. برادران فکر کنیم به سرنوشت خلق، به سرنوشت انقلاب و به سرنوشت مکتبمان اسلام. مبدا که این غرور ما را به دام خود کشانده است. در مقابل توده‌ها، غرور هیچ معنی و مفهومی ندارد. باید خلوص داشت."

سعادتی در سخن فوق، آنچه را که خود سمبل آن بود اعتراف کرده و سپس تخطئه می‌کند؛ یعنی اعتراف می‌کند که سازمان پیش از آنکه به سرنوشت "خلق"، "انقلاب" و "مکتب اسلام" فکر کند، به "غرور سازمانی" تکیه دارد و آن‌گاه این خصلت سازمان را غیرتوحیدی و بد می‌نامد و می‌گوید: "باید خلوص داشت." که یعنی درحال حاضر فاقد خلوص است.

در ادامه این پرسش مطرح می‌شود که چرا سعادتی دیدگاه‌های جدید خود را در طول یک سال و نیم گذشته (به جرم جاسوسی و مبادله اسناد طبقه‌بندی‌شده با دبیر اول سفارت شوروی و مأمور کا.گ.ب. به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود) که دوره محکومیتش را در زندان اوین می‌گذرانند، در زندان بیان نکرده است و آیا وصیت‌نامه یک تاکتیک برای رهایی از حکم اعدام بوده است یا خیر؟ برای او همچنان که خود در وصیت‌نامه می‌گوید "غرور سازمانی" مطرح بود. او نمی‌خواست در حیات خود، غرور سازمانی‌اش را شکسته بیند. البته، این یک اصل سازمانی است که کلیه اعضا و هواداران موظف‌اند چنانچه در رابطه با سازمان مسئله‌دار باشند، به راحتی و بدون سروصدا کناره‌گیری کنند و هرگز نباید از مسائل سازمان سخنی بر زبان آورند و اگر کسی این اصل را رعایت نکند، عنصر بریده و خائن قلمداد می‌شود.

سعادتی گرچه در زندان به بازسازی خصلت‌های خود پرداخته بود، اما این تغییر سمت را تنها در ذهنش به وجود آورد و هرگز نمی‌خواست (به دلایل فوق) آن را به‌طور رسمی اعلام کند. درمورد این جمله سعادتی خوب دقت کنید تا مطالب بالا به راحتی هضم گردد. او می‌گوید: "برادران مرا می‌بخشید که چنین بی‌پروا می‌گویم. شاید بگویید که سید با این وصیتش به ما ضربه زده. ممکن است که این وصیت باعث شود تا از نظر سیاسی شما حداقل مورد سؤال واقع شوید." می‌بینید که سعادتی صریحاً حیثیت و آبروی سیاسی سازمان را حتی بر ایدئولوژی اسلام ترجیح می‌دهد. او نمی‌خواهد در قید حیات باشد و ضربه‌خوری سازمان را از نظر سیاسی ببیند؛ لذا به قول خودش: "من مرگ را انتخاب کردم تا مبدا فکر شود که این نقطه‌نظرات برای تمایلات شرک‌آلود ترس از مرگ است؛" یعنی سعادتی مرگ را انتخاب می‌کند تا مبدا رهبران سازمان، مارک راست و خائن‌بودن را بر او اطلاق کنند. می‌بینید که این سازمان برای اعضا و هواداران و حتی کسی که تا چندی پیش، از سوی سازمان لقب "سمبل مقاومت خلق" گرفت، چه وضعیتی ایجاد کرده است؟^(۵۹)

«او در وصیت‌نامه خود صریحاً می‌گوید: "برادران، من بارها و بارها در رابطه با مواضع جدید سازمان گریستم" که این جمله سعادتی نشان می‌دهد وی مدت‌ها پیش خود را با مواضع جدید سازمان بیگانه می‌دید، اما این بیگانگی در ذهن او بود؛ عنصر خارجی یا محرکه نیروهای درونی، شرایط لازم را نیافته بود که مسائل ذهنی سعادتی را عینی سازد، اما ناگهان مسئله "مرگ" مطرح می‌گردد. مرگ مسئله کوچکی نیست که بتوان از آن به‌سادگی گذشت. انسان در هنگام مرگ، وضعیت خاصی پیدا می‌کند. وضعیتی که باید آن را عصاره همه حیات آدمی دانست. انسان در چنین وضعیتی، تمامی لحظات زندگی خود را در تصاویری کوتاه و سریع می‌بیند و آن را از نوار ذهنی خود عبور می‌دهد. لحظات پریچ‌وخم زندگی، گناهکاری‌ها، وقایع و حقایق بعد از مرگ و ظریف‌ترین مسائل حیات و ممات در پیچیده‌ترین شکل آن برای انسان رو به مرگ مطرح می‌گردد.

او در وصیت‌نامه خود تصویری بسیار زنده و ملموس از لحظات واپسین زندگی یک انسان را ارائه می‌دهد و می‌گوید: "من شاید از پیش، چنین خطری را (انحراف سازمان) احساس کرده بودم، ولی اکنون در این لحظات، خطر را بسیار جدی و ملموس می‌بینم. من به‌هیچ‌وجه نتوانستم خود را قانع کنم که چنین خطری را ناگفته گذارم و از این نظر خود را مسئول احساس می‌کنم." سعادتی در این کلام به نقش "عنصر مرگ" در تحول انسان تکیه می‌کند؛ یعنی تأکید می‌کند که انسان در طول حیات خود (به‌ویژه حیات تشکیلاتی) هرگز به فکر تصحیح مواضع خود نمی‌افتد، اما عنصر مرگ به انسان این قدرت را می‌دهد تا آنچه را که در زمان حیات خود از بازگ کردن آن امتناع می‌ورزید، بازگو کند، چراکه انسان زنده همواره در این تصور است که می‌تواند، بینش و مواضع انحرافی خود را در آینده تصحیح کند؛ لذا از تعجیل در امر بازسازی و تصحیح تفکرات ایدئولوژیک، خصلت‌ها و مواضع انحرافی خویش خودداری می‌ورزد، اما هنگامی که مسئله مرگ مطرح می‌گردد، کلیه فرصت‌ها از انسان سلب می‌گردد. انسان در چنین لحظاتی وضعیت خاصی پیدا می‌کند؛ وضعیتی که باید هر آنچه در دل دارد به زبان آورد و بدان تصریح ورزد؛ به‌ویژه آنکه این وضعیت زمانی باشد که انسان بداند تا چند ساعت دیگر دار فانی را وداع می‌گوید! سعادتی نیز چنین بود. او قبل از مرگ و پیش از اعلام رأی دادگاه، گرچه به قول خودش "حرف‌های درونی" داشت، اما نسبت به مواضع سازمان وفادار بود. او ابتدا در انتظار نشست تا از مواضع جدید سازمان نتیجه بگیرد، بعد درباره آن قضاوت کند، اما این انتظار تا لحظات پیش از مرگ بی‌ثمر می‌ماند و اینجاست که سعادتی مسائل درونی‌اش را بروز می‌دهد؛ مسائلی که شاید در طول یک سال گذشته با آن در ستیز بوده باشد. باری، او تحت سخت‌ترین شرایط، این حقایق را مطرح می‌کند تا مبادا مسائل درونی‌اش را ناگفته بگذارد و از دنیا برود.

نویسنده در بخش‌های پایانی بررسی وصیت‌نامه، مطالبی را بیان می‌کند که به‌نوعی نشان‌دهنده نگاه جمهوری اسلامی به یک انسان است؛ حتی به شخصی چون سعادتی که یکی از معدود افراد مرکزیت و از بالاترین افراد کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق است و از سوی دیگر، دربردارنده این نکته است که برخلاف کینه‌توزی‌های سازمان، نه تنها با جمهوری اسلامی و مسئولان آن، بلکه با افراد عادی کوچه و بازار که از نظام و انقلاب طرف‌داری می‌کنند، همچنان مواضع مسئولان کشور انتقام‌جویانه و از موضع حذف نیست.

در ادامه این مطلب آمده است: «وصیت‌نامه سعادتی علاوه بر اینکه یک وصیت‌نامه است، توبه‌نامه نیز هست. توبه‌نامه نه از آن جهت که وی خواسته است از کسی عفو بگیرد، بلکه از آن جهت است که او می‌خواسته با این وصیت‌نامه خود را از لعن خداوندی و طعن خلق برهاند.»

در پایان نیز خطاب به هواداران سازمان و گروه‌های چپ آمده است: «این وصیت‌نامه پیامی است به کلیه هواداران مجاهدین و سایر هواداران گروه‌های چپ که اگر آنها نیز شرایط سعادتی را پیدا کنند، لاجرم همان را خواهند گفت که سعادتی در وصیت‌نامه خود بدان اعتراف کرد، این دسته از هواداران بکوشند از هم‌اکنون خود را از شر فضایی که آنها را در بر گرفته، برهانند و در جبهه‌ای که در آن اسلام و خلق و انقلاب در برابر غول‌ترین قدرت شیطانی قرن ایستاده و مشغول سرنوشت‌سازترین نبرد جهان معاصر است، قرار گیرند تا هم خدا از آنها راضی باشد و هم خلق.»^(۶۰)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۰/۵/۱۸

۱. سند شماره ۰۰۴۷۲۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرمانده سپاه غرب به سرپل ذهاب، ۱۳۶۰/۵/۱۹، سند تک‌برگی؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۵، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۱۰، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۲۱.
۲. سند شماره ۰۰۴۸۲۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از اطلاعات عملیات خوزستان به فرمانده سپاه پاسداران خوزستان، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۳.
۳. سند شماره ۰۰۴۷۱۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نویه‌ای ۲۴ ساعته، واحد اطلاعات عملیات سپاه خوزستان به فرمانده عملیات سپاه خوزستان (شوش)، شماره ۳۱۰، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۷-۵.
۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۱۵؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۴؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۱۵.
۵. تاریخ شفاهی سردار علی اسحاقی (منتشر نشده)، ۱۳۹۱/۳/۱۰.
۶. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۴؛ و - سند شماره ۵۱۶۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه پاسداران (مرکز فرماندهی) به سمجا۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۶۰/۵/۱۹، سند تک‌برگی؛ سند شماره ۰۰۴۷۱۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۵.
۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۵، ص ۱۲.
۸. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۲، ص ۱۴.
۹. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۵، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۱۰، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۲۱؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۱۴.
۱۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۲، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۳ و ۴، بیروت - خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۰/۵/۱۸.
۱۱. سند شماره ۵۱۶۴۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه سندج به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۶۰/۵/۱۹، سند تک‌برگی.
۱۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۱۸، ص ۱۵.
۱۳. سند شماره ۱۶۹۰۵۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بولتن خبری روزانه واحد اطلاعات سپاه منطقه غرب کشور (کردستان)، ۱۳۶۰/۵/۲۵، ص ۳؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۶، ص ۲؛ و - مرکز خبری روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه خبرنامه، شماره ۲۰۸، ۱۳۶۰/۵/۲۷، ص ۳.
۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۱۶؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲.
۱۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۴؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۱۵.
۱۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۷، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۱۷. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۷، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۱۸. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۱۵.
۱۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۷، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۲۰. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲۳، مشهد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۴.
۲۱. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲۱، مشهد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۲۲. همان.
۲۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۴.
۲۴. سند شماره ۳۲۸۴۲۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از استانداری لرستان به وزارت کشور (اداره کل سیاسی)، ۱۳۶۰/۵/۱۸، ص ۱.
۲۵. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۲۱ و ۲۲، خرم‌آباد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۴.
۲۶. سند شماره ۳۲۸۴۲۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۲۷. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲۲، خرم‌آباد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۲۸. سند شماره ۳۲۸۴۲۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۲۹. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۴، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۲۲، کرمانشاه - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۲۰.
۳۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۷، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۳۱. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۲۳ و ۲۴، خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۴.
۳۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۱۶؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۲۲ و ۲۳، اراک - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۳۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۴.
۳۴. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۱۶؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۵ و ۶، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۹.

۵۰. همان، ص ۱۸، نیویورک - خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۳۶۰/۵/۱۸؛ و - خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۴۳، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۱۷، بخش فارسی رادیو امریکا، ۱۳۶۰/۵/۱۹.
۵۱. اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، شماره ۱۵، ۱۳۶۰/۷/۲۶، صص ۳۷ و ۳۸، *اخبار الخليج* (بحرین).
۵۲. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۵/۱۸، ص ۱۲.
۵۳. اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، شماره ۹۶، ۱۳۶۰/۷/۲۳، ص ۳۶، روزنامه *جمهوریت* (چاپ ترکیه)، ۱۳۶۰/۵/۱۸.
۵۴. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۵/۱۸، ص ۱۲.
۵۵. سند شماره ۰۰۴۷۱۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، صص ۷ - ۵.
۵۶. سند شماره ۴۷۳۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد عملیات جنوب (اطلاعات عملیات) به فرمانده عملیات جنوب، ۱۳۶۰/۵/۲۰، صص ۱ و ۲.
۵۷. سند شماره ۰۰۴۸۲۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی لشکر ۳ زهی ستاد کل (عملیات) به گردان تانک ۱ یرموک، ۱۳۶۰/۵/۳۱، صص ۲۲ - ۱ به اضافه ۱۲ صفحه پیوست.
۵۸. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۳.
۵۹. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۸، صص ۱ و ۳.
۶۰. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۱ و ۲.

۳۵. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۲.
۳۶. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲.
۳۷. همان، ص ۴.
۳۸. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۳، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۳۴، ۱۳۶۰/۵/۱۹؛ و - روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۲؛ و - روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۱۳.
۳۹. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲؛ و - روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۲.
۴۰. خبرگزاری پارس، نشریه خبرها و گزارش‌ها (ایران در ۲۴ ساعت گذشته)، شماره ۱۴۴، ۱۳۶۰/۵/۲۰، ص ۲۴، خرم‌آباد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۲۰؛ و - روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۵/۲۱، ص ۴.
۴۱. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۸، ص ۳.
۴۲. همان، ص ۱۴.
۴۳. همان، ص ۲.
۴۴. همان.
۴۵. اکبر هاشمی رفسنجانی، *عبور از بحران* (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰)، به اهتمام یاسر هاشمی، تهران: نشر معارف انقلاب، چاپ نهم ۱۳۸۶، ص ۱۵۱.
۴۶. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۹، ص ۳.
۴۷. همان، صص ۱ و ۲؛ و - روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۵/۱۸، صص ۱ و ۳.
۴۸. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۲، ۱۳۶۰/۵/۱۹، صص ۱۹ و ۲۰، لندن - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۵/۱۸.
۴۹. همان، ص ۱ ضمیمه، رادیو لندن، ۱۳۶۰/۵/۱۸.